



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۳۹۸، دوره ۲، شماره ۱، پیاپی ۵

بررسی و تحلیل تحرکات سیاسی و قومی گروهک های شبه نظامی برانیت جنوب شرق

محمد امین سرگزی^۱، حسین دوستی مقدم^{۲*}، ملیحه دوستی مقدم^۳، پروانه شهرکی^۴

۱- کارشناس دانشگاه امام علی (ع)

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی گردشگری گرایش برنامه ریزی منطقه ای دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زابل

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ گرایش اسلام دانشگاه پیام نور قم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

چکیده

ترکیب قومی و مذهبی موجود در استان‌های مرزی شرقی کشور به نحوی است که نوعی ضعف ژئوپلیتیک را در این مناطق برای نظام جمهوری اسلامی فراهم آورده است. غفلت از این موضوع از طرفی و هوشیاری دشمنان در آن سوی مرزها و بهره‌برداری آنان از موقعیت ایجاد شده، به نوعی تهدید محسوب می‌گردد. از دیدگاه وهابیت این بخش از ایران به دلیل، اکثریت اهل تسنن، فقر اقتصادی و فرهنگی، خروج روحانیون اهل تسنن برای ادامه تحصیل به کشورهای عربستان و پاکستان، و ... دارای شرایط مناسب برای تبلیغ و توسعه فرقه‌گرایی مذهبی و گسترش وهابیت است. مهمترین پیامدهای گسترش فرقه‌گرایی وهابیت، یارگیری نهادهای جاسوسی مخالف علیه نظام است که بایستی مورد توجه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی قرار گیرد. به ویژه که، یکی از اهداف راهبردی حامیان این فرقه تأسیس یا نفوذ بر مدارس مذهبی اهل سنت، به ویژه در استان‌های مرزی در جهت ترویج عقاید ضد شیعی است. به نظر می‌رسد با یک برنامه‌ریزی مناسب که بیشتر می‌بایستی متکی به تغییر نگرشی بر مرز باشد می‌توان این نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل نمود، سلفی‌گری از جریان‌های رادیکال مذهبی است که بیشتر از آن که ریشه داخلی داشته باشد، ریشه‌های منطقه‌ای دارد. سه کشور عربستان، پاکستان و امارات از اصلی‌ترین حامیان مالی جریان‌های سلفی هستند و استان سیستان و بلوچستان به لحاظ بافت قومی - مذهبی و مجاورت جغرافیایی با پاکستان و افغانستان از بیشترین پتانسیل فعالیت گروه‌های سلفی برخوردار است

واژگان کلیدی: سیاسی، امنیتی، پاکستان، افغانستان، ایران

مقدمه

در جنوب شرق ایران عوارض جغرافیای متعددی وجود دارد که از مهمترین آنها می‌توان به بیابان‌ها، کویرها، کوهستان‌ها و حوضه‌های آبریز اشاره نمود. وجود این عوارض جغرافیایی گسترده و توپوگرافی خشن، قدرت مانور گروه‌های تروریستی و اشرار مسلح را در این منطقه افزایش داده؛ به طوری که شناسایی و تعقیب تروریست‌ها را در این مناطق بسیار دشوار کرده است. در واقع تروریست‌ها و اشرار از این عوارض جغرافیایی برای اختفاء، استتار و فرار از چنگ نیروهای انتظامی و اطلاعاتی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر گستردگی عوارض جغرافیایی و توپوگرافی خشن، امکان شناسایی تمام بسترها و لایه‌های فضای جغرافیایی جنوب شرق کشور را برای نیروهای حکومتی تقریباً مشکل ساخته است. در واقع جنوب شرق کشور از حیث ویژگی‌های فضای جغرافیایی (گستردگی، تنوع و خشونت) و مرزهای طولانی، مکان مناسبی برای فعالیت‌های گروه‌های تروریستی محسوب می‌گردد. اگرچه مرز طولانی استان با کشور پاکستان از نظر تهدید استراتژیک امن محسوب می‌شود، اما از منظر کارکردهای مرزی، نقش مؤثری در تقویت نیروهای واگرا داشته و در زمره مرزهای بد و بسیار ناامن برای دو کشور ایران و پاکستان محسوب می‌گردد، به نحوی که می‌توان از آن به عنوان "مناطق شکننده" یاد کرد. مرز از طرف پاکستان کاملاً رها شده و دولت پاکستان در آن جا هیچ‌گونه اعمال حاکمیتی ندارد. از این رو زمینه‌های فراوان عملکردهای منفی مهیا می‌باشد. عملکرد بسیار نامطلوب مرز استان با پاکستان ریشه در تکوین تاریخی آن دارد. این مرز از نظر جداسازی قوم بلوچ و توزیع و پراکندگی آن از جمله "مرزهای تحمیلی" محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۴۵)

بیان مسئله

بنیادهای زیستی در شکل‌گیری، گسترش، تکامل و بقای حیات اجتماعات انسانی تأثیر زیادی دارند. مجاورت مرزهای جنوب شرقی ایران با کمربند بیابانی کره زمین و قرارگیری در منطقه گرم و خشک، موجب گرمای شدید، خشکسالی، کم‌آبی و در نتیجه ضعف بنیادهای زیستی در این منطقه از کشور شده است. در واقع بنیادهای زیستی در جنوب شرقی ایران اعم از آب، خاک و پوشش گیاهی در ضعیف‌ترین شرایط قرار دارند (قوام، ۱۳۸۳: ۹۳). در مجموع ضعف شرایط زیستی در این منطقه موجب تراکم کم و پراکندگی زیاد جمعیت و همچنین مهاجرت به ویژه از مناطق روستایی به شهرها و سایر استان‌ها شده است که با خشکسالی‌های پی‌درپی چندین سال اخیر بر شدت آن افزوده شده است. این امر موجب شکل‌گرفتن فضاهای خالی از سکنه در این منطقه گردیده و این فضاهای خالی بستر مناسبی را برای فعالیت‌های ضدامنیتی از جمله رواج انواع قاچاق، شرارت، درگیری مسلحانه و ... فراهم ساخته است؛ زیرا که بین وجود و نبود جمعیت و امنیت ارتباط مستقیمی وجود دارد. با این اوصاف وجود چنین شرایط مکانی و فضایی حاکم بر این منطقه از کشور، زمینه شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی را مهیا ساخته است. در جنوب شرق ایران عوارض جغرافیایی متعددی وجود دارد که از مهمترین آنها می‌توان به بیابان‌ها، کویرها، کوهستان‌ها و حوضه‌های آبریز اشاره

نمود. وجود این عوارض جغرافیایی گسترده و توپوگرافی خشن، قدرت مانور گروه‌های تروریستی و اشرار مسلح را در این منطقه افزایش داده؛ به طوری که شناسایی و تعقیب تروریست‌ها را در این مناطق بسیار دشوار کرده است. در واقع تروریست‌ها و اشرار از این عوارض جغرافیایی برای اختفاء، استتار و فرار از چنگ نیروهای انتظامی و اطلاعاتی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر گستردگی عوارض جغرافیایی و توپوگرافی خشن، امکان شناسایی تمام بسترها و لایه‌های فضای جغرافیایی جنوب شرق کشور را برای نیروهای حکومتی تقریباً مشکل ساخته است. در واقع جنوب شرق کشور از حیث ویژگی‌های فضای جغرافیایی (گسترده‌گی، تنوع و خشونت) و مرزهای طولانی، مکان مناسبی برای فعالیت‌های گروه‌های تروریستی محسوب می‌گردد. اگرچه مرز طولانی استان با کشور پاکستان از نظر تهدید استراتژیک امن محسوب می‌شود، اما از منظر کارکردهای مرزی، نقش مؤثری در تقویت نیروهای واگرا داشته و در زمره مرزهای بد و بسیار ناامن برای دو کشور ایران و پاکستان محسوب می‌گردد، به نحوی که می‌توان از آن به عنوان "مناطق شکننده" یاد کرد. مرز از طرف پاکستان کاملاً رها شده و دولت پاکستان در آن جا هیچ‌گونه اعمال حاکمیتی ندارد. از این رو زمینه‌های فراوان عملکردهای منفی مهیا می‌باشد. عملکرد بسیار نامطلوب مرز استان با پاکستان ریشه در تکوین تاریخی آن دارد. این مرز از نظر جداسازی قوم بلوچ و توزیع و پراکندگی آن از جمله "مرزهای تحمیلی" محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۴۵). ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران از دو بخش به هم پیوسته مرکزی و حاشیه‌ای پدید آمده است. بخش مرکزی، که نسبت به حاشیه و پیرامون خود، فضای گسترده‌تری از جغرافیای ایران را اشغال می‌کند و میان اجزای آن پیوند و تجانس نسبی برقرار است، بر کاسه فلات ایران و ارتفاعات حاشیه‌ای آن، یعنی زاگرس و البرز، منطبق است. همچنین میان تجانس کالبدی و توپوگرافیک فضا در بخش مرکزی ایران با تجانس انسانی آن ارتباط وجود دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۴۹). بر خلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، بخش حاشیه‌ای که مردمان آن در دشت‌ها و نواحی مرتفع حاشیه جغرافیای ایران ساکن هستند، به گسیختگی و غیرمتجانس بودن دچار است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را در بر می‌گیرد. مردمان بخش حاشیه‌ای یا پیرامونی کشور، در بعضی از شاخصه‌ها و به طور مشخص زبان و لهجه، قومیت، مذهب و خرده‌فرهنگ محلی، با بخش مرکزی و با یکدیگر تفاوت دارند. بخش سنی‌نشین شمال شرقی ایران با ناحیه سنی‌مذهب آسیای مرکزی پیوستگی دارند. در جنوب کشور، اهل سنت ساکن در جزایر و سواحل خلیج فارس، با اهل سنت شبه جزیره عربستان، که در آن سوی آب‌های خلیج فارس واقع است، تجانس دارند. گروه قومی بلوچ در جنوب شرقی ایران با نیمه دیگر هسته بلوچ‌نشین در پاکستان پیوستگی فضایی پیدا می‌کند. هرچند این قوم در آن سوی مرز فاقد دولت ملی مستقل است، بلوچستان پاکستان در چهارچوب ساختار سیاسی فدرال آن کشور تا سطح یک ایالت ارتقا یافته است. بلوچستان ایران، منطقه‌ای از کشور است که با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه بلوچ‌نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد. از نظر مذهبی اقلیت بلوچ ایران، اهل سنت هستند و از این جهت نیز، با بلوچ‌ها و قلمرو اهل سنت پاکستان و شبه‌قاره هند مشابهت، ولی با بخش مرکزی ایران متفاوت‌اند. از نظر ریشه زبان و لهجه، زبان بلوچی را همانند پشتو، تاجیکی و کردی عضو خانواده زبان‌های ایرانی می‌دانند، اما لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ‌نشین ایران و پاکستان

به مراتب به هم نزدیک‌ترند تا به زبان فارسی. بنابراین بلوچستان ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ‌نشین پاکستان و ایران تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش عده‌ای از نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۵: ۸). ناحیه اصلی سکونت و استقرار قوم بلوچ شامل قلمرو پیوسته‌ای شامل ایالت بلوچستان پاکستان، گوشه جنوب باختری افغانستان و استان سیستان و بلوچستان است

نقش و جایگاه سازمان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا

با نگاهی به سازمان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا در درون صحنه سیاسی و اجتماعی پاکستان، دو دسته گروه اسلامی قابل تمایز است. دسته اول که می‌توان آنها را احزاب و گروه‌های مذهبی رسمی نامید، اینها معتقد به اصلاح از طریق ساز و کارهای دموکراتیک و قانونی بوده و اهداف و آرمان‌های مورد نظر خود را به شیوه‌های مسالمت آمیز دنبال کرده و کمتر به خشونت روی می‌آورند. از احزاب و گروه‌های این دسته می‌توان به «جماعت اسلامی»، «جمعیت علماء اسلامی»، «جمعیت اهل حدیث» و «تحریک جعفریه» پاکستان اشاره کرد (abas, 2010: 35).

دسته دوم گروه‌های افراط و ستیزه‌جو هستند؛ این گروه‌های تندرو بر خلاف نیروهای مذهبی رسمی، سازوکارهای قانونی و مشارکت در نظام سیاسی را برای اهداف ایدئولوژیک خود مناسب نمی‌دانند و تنها راه، برای رسیدن به آرمان‌های خود را جهاد خشونت‌بار می‌دانند. بعضی از این گروه‌ها در واقع شاخه نظامی و خشونت‌گرای گروه‌های سیاسی-مذهبی رسمی پاکستان می‌باشد. بر اساس اهداف سیاسی و مذهبی این گروه‌ها به اشکال زیراند:

الف- گروه‌هایی که به صورت سنتی بر کشمیر تسلط دارند

در سال‌های اول جهاد در کشمیر (۱۹۹۰-۱۹۹۸م.) بیش از ۱۵۰ گروه در صحنه حاضر شدند. برخی از این گروه‌ها با هم متحد شدند و گروه‌های بزرگتری تشکیل دادند (Jamal, 2010: 8). با این حال احزاب عمده این جریان جدید عبارت‌اند از: «حرکه المجاهدین»، «لشکر طیبه»، «جیش محمد»^۲ و «مجاهدین البدر»^۳. طبق برخی آمارها، دو گروه اسلام‌گرای «لشکر طیبه» و «حرکه المجاهدین»، چیزی بیش از ۱۸۰ مدرسه در اختیار دارند که بیش از ۲۶ تا از این مدارس در داخل پاکستان قرار دارد.

ب- گروه‌هایی که به صورت سنتی فرقه‌ای اند

این دسته شامل گروه‌های ضد شیعی؛ «سپاه صحابه»^۴ و «لشکر جنگجوی»^۵ می‌باشد؛ «سپاه صحابه» در هر ۴ ایالت پاکستان ر سوخ کرده و به عنوان یکی از قوی‌ترین گروه‌های افراطی پاکستان شناخته

¹. Harkat ul-Mujahedeen (HUM)

². Lashkar-e-Toiba (LT)

³. Jaushe - Mohamad (JM)

⁴. Mojahdin -e- Badr (MB)

^۵. این گروه در بدو امر «انجمن سپاه صحابه» نام داشت و یکی از فرقه‌های سنی مذهب پاکستان است که ادعا می‌شود به طور مستمر، درگیری‌های خشونت‌بار علیه جامعه شیعی پاکستان را در اولویت کار خود قرار داده است. سپاه صحابه یکی از پنج گروهی است که در ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۲م، به وسیله‌ی پرویز مشرف منحل اعلام شد
^۶. برخی نیز مدعی هستند که لشکر جنگجوی، به وسیله‌ی رهبران سپاه صحابه، به عنوان یک شاخه‌ی نظامی فعال و جدا از جناح‌های سیاسی تأسیس شد تا به پیشبرد اهداف سیاسی سپاه صحابه از طریق ادامه‌ی اقدامات خشونت‌بار فرقه‌ای، کمک نماید (Jamal, 2012: 5-7).

می‌شود. این گروه موفق به تأسیس ۵۰۰ دفتر و شعبه در تمام ۳۴ ناحیه‌ی پنجاب گردیده است و حدود ۱۰۰ هزار کارگر استخدامی در پاکستان دارد. «سپاه صحابه» همچنین ۱۷ شعبه در کشورهای خارجی همچون، امارات متحده عربی، عربستان، بنگلادش، کانادا و انگلستان دایر نموده است (Kamran, 2008: 9). «سپاه صحابه»، شیعیان را مسلمان نمی‌داند و به عنوان واکنشی در قبال انقلاب شیعی ایران تأسیس شده است. برخی نقل می‌کنند که «لشکر جنگجوی» در سال ۱۹۹۶م. به وسیله‌ی اعضای ارشد سابق «سپاه صحابه»، کسانی که معتقد بودند «سپاه صحابه» از آرمان اولیه ضد شیعی خود دور شده، تأسیس شده است. «لشکر جنگجوی» اهداف خود را بدین شرح اعلام داشته: ایجاد پاکستان سنی مذهب؛ از طریق روش‌های خشونت‌آمیز، ترویج و اعلام نام‌سلمانی شیعیان و از میان برداشتن پیروان دیگر ادیان به خصوص یهودیان، مسیحیان و هندوه (South Asian Terrorism Portal, 2013).

ج- گروه‌های شبه نظامی ضد دولتی

مهمترین آنها ارتش آزادیبخش بلوچستان است که در تعقیب اهداف سیاسی خود دولت را هدف خشونت قرار می‌دهند

در نواحی شرقی ایران نقش و کارکرد برخی عوامل و ویژگی‌های جغرافیایی بعد ملی و منطقه‌ای پیدا کرده است و زمینه نامنی کشور را در مقیاس ملی و منطقه‌ای فراهم آورده است. این عوامل شامل موارد زیر می‌شود:

ژئوپلیتیک اقلیت‌ها و کارکرد امنیتی مرز

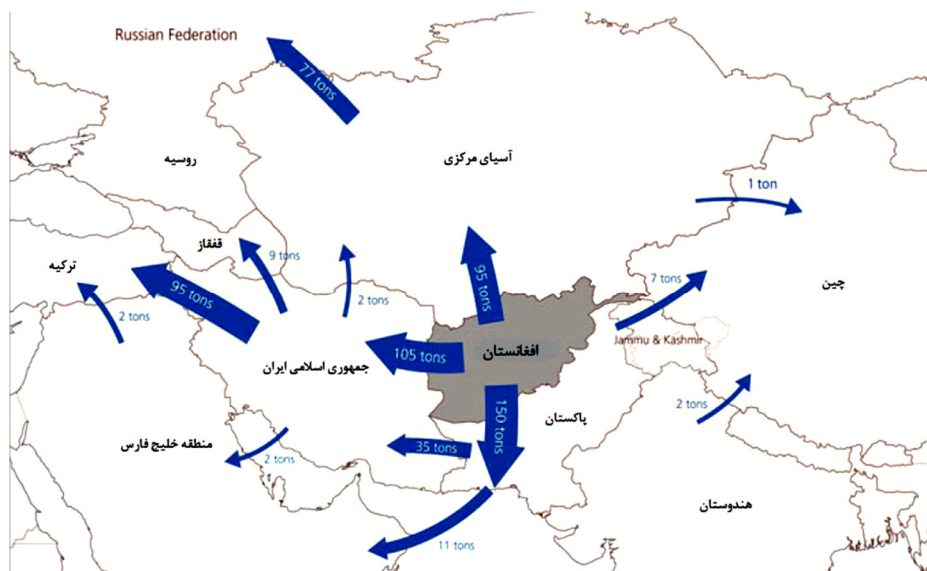
بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه نامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در خود در امنیت داخل کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (خطایی، ۱۳۷۴: ۸۵) اما مرزهای شرقی کشور به رغم تلاش‌های زیادی نیروهای امنیتی و نظامی در امنیت کامل نمی‌باشد و ترددهای غیرمجاز مرز، قاچاق مواد مخدر، عبور گروهک‌های تروریستی، قاچاق نسان و کالا از آن صورت می‌پذیرد. علاوه بر این ویژگی‌های مرزی شرقی موجب نگرش امنیتی حکومت مرکزی شده است و از قابلیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی آن به شدت کاسته است. گستره نسبتاً وسیعی از مناطق شرقی کشور بخصوص در مناطق مرزی نیز در سه مؤلفه قومیت، زبان و مذهب با حکومت مرکزی دارای تفاوت می‌باشند. در واقع جنوب شرق ایران در سه عنصر مذهب، زبان و قومیت متفاوت از نقاط مرکزی است و جزء منطقه بحرانی بالقوه با درجه ۱ محسوب می‌گردد. فقط در زابل غلبه با تشیع است که جزء منطقه بحرانی بالقوه درجه ۲ محسوب می‌شود (پیشگاهی فرد و امید آوج، ۱۳۸۸: ۵۷). علاوه بر این با افزایش تمرکز در جمهوری اسلامی ایران و تشدید قرائت مرز بندی با اهل سنت بویژه پس از پایان جنگ تحمیلی و به موازات آن اوج گیری جریان بنیاد گرایی در کشورهای همسایه شرقی، بی اعتمادی بین نظام و مردم و بین اقوام و مذاهب فزونی گرفت. پیامد این بی اعتمادی‌ها و مرز بندی‌ها، احساس تحقیر و تضعیف بوده و در نتیجه شکاف‌های اجتماعی آن هم حول قومیت و مذهب بیش از پیش شدت یافته است (حسینی، ۱۳۸۵: ۶). بنابراین از آنجایی که تأثیر عامل تنوعات انسانی در تقویت نیروی گریز از مرکز به مراتب اثرگذارتر از سایر عوامل است (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۵: ۲۰) شهرهای شرقی و جنوب شرقی با نزدیکی به مرزهای ملی و قومی، هرگز در امنیت کامل نبوده و نامنی و تهدید (به طور آشکار و نهان) از عوارض و ویژگی‌های ثابت آن بوده است. (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵: ۷۷). در مجموع می‌توان گفت وجود عوامل واگرایی قومی، مذهبی، زبانی، جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی بین گروه‌های قومی-

مذهبی شرق کشور با حکومت مرکزی و همچنین بی اعتمادی متقابل و عدم مشارکت آنها در مدیریت سیاسی فضای سرزمینی خود زمینه را برای ایجاد فضای ملت‌هپ و پرتنش فراهم آورده که این امر موجب سوء استفاده قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، اشرار و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در منطقه می‌شود و امنیت منطقه‌ای و ملی را به چالش می‌کشد.

ژئوپلیتیک مواد مخدر

به طور کلی مواد مخدر به چهار دلیل تحت تأثیر جغرافیا و ویژگی مکانی - فضایی مناطق قرار دارد. نخست مکان‌های تولید مواد مخدر است که کانون‌های جغرافیایی تولید را شامل می‌شوند، دوم مسیرهای ترانزیت مواد مخدر، سوم مکان‌های مصرف و هدف که مقصد بیشتر قاچاقچیان می‌باشد و در نهایت چهارمین مورد شامل فضاهای جغرافیایی و افراد و گروه‌های می‌شود که تحت تأثیر بازتاب‌های تولید، ترانزیت و حتی مصرف مواد مخدر قرار دارند، مانند مناطق مرزی و گروه‌های جمعیتی ساکن در آنها که درگیر ترانزیت مواد مخدر هستند. علاوه بر این شناخت جغرافیای سیاسی مناطق عامل مناسبی در همکاری‌های مقابله با تجارت مواد مخدر به شمار می‌آید (Danelo, 2011:14). جمهوری اسلامی ایران به همراه افغانستان و پاکستان از جمله مهم‌ترین کشورهای است که تحت تأثیر ژئوپلیتیک مواد مخدر قرار دارد. ایران با مصرف ۴۵۰ تن تریاک ۴۲ درصد از مصرف تریاک جهان و همچنین با مصرف ۱۷ تن هروئین ۵ درصد از کل مصرف هروئین جهان را به خود اختصاص داده است (UNODC, 2009:11). علاوه بر این ایران مهم‌ترین مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا است به طوری که بیش از ۸۰ درصد هروئین اروپا از طریق مسیر افغانستان - ایران - ترکیه - بالکان به اروپا می‌رسد. تک‌جداره بودن، کوتاهی مسیر و وجود فضاهای خالی نیز بخشی از امتیازات مسیر ایران است (کریمی پور، ۱۳۷۹:۱۵۱).

جدول شماره دو: مسیرهای ترانزیت مواد مخدر از افغانستان



Source: UNODC

در این میان مناطق شرقی کشور به دلیل همسایگی با دو کشور افغانستان و پاکستان که کانون جغرافیایی تولید و ترانزیت مواد مخدر جهان به شمار می‌آیند بیش از سایر نقاط کشور تحت تأثیر مواد مخدر قرار دارند. از جمله پیامدهای ترانزیت مواد مخدر در شرق کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عبور کاروان‌های مسلح ترانزیت مواد مخدر از مرز و ایجاد درگیری با مرزبانان و نیروی انتظامی ضمن وارد آوردن خسارت جانی و مالی بسیار، ناامنی را در منطقه تشدید کرده است.

- ناامنی ناشی از ترانزیت مواد مخدر موجب مهاجرت جمعیت و خالی شدن عرصه‌های وسیعی از مناطق شرقی کشور شده است و کارکرد مرزهای شرقی را کاملاً امنیتی کرده است.

- از آنجایی که توسعه و امنیت دارای رابطه مستقیمی با هم می‌باشند، ناامنی موجود در منطقه موجب فرار سرمایه و ضعف توسعه اقتصادی شده و در نتیجه فقر را در منطقه افزایش می‌دهد.

- از آنجایی که گردش مالی تولید، توزیع و انتقال مواد مخدر بعد از اسلحه بیشترین رقم را در جهان به خود اختصاص داده است و سودی در حدود ۶۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار سالانه حاصل این تجارت مرگ است (World Drug, 2006:22).

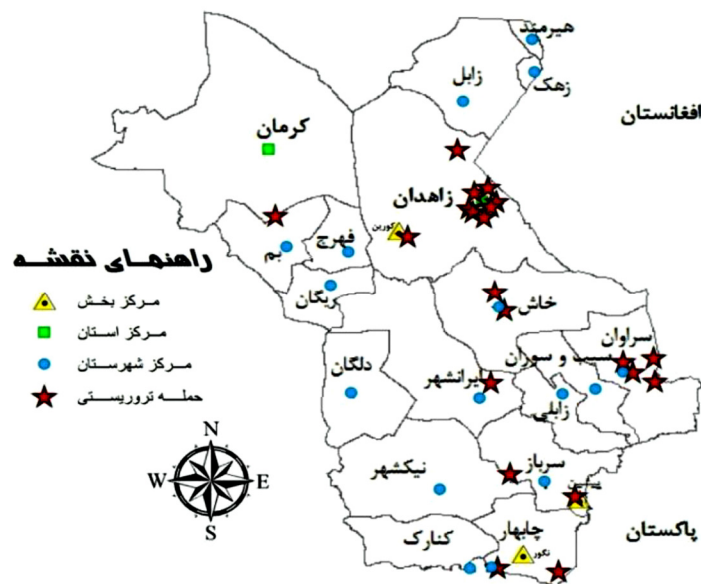
اشرار و تروریست‌ها از عواید مالی ترانزیت و فروش مواد مخدر بهره فراوان می‌برند؛ نیروی جدید به خدمت می‌گیرند و اسلحه خریداری می‌کنند به همین دلیل قدرت اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر در این ناحیه از کشور افزایش می‌یابد و هزینه مقابله با آنها بیشتر می‌شود.

- محرمیت مناطق شرقی کشور و نبود فرصت‌های شغلی، بستر مناسبی را برای روی آوردن افراد به قاچاق مواد مخدر فراهم کرده است. این امر موجب افزایش شمار معتادان و در نتیجه افزایش بزهکاری و جرم و جنایت در شرق کشور می‌شود.

ژئوپلیتیک تروریسم

موقعیت جغرافیایی مناطق شرقی کشور و همسایگی در کنار بزرگ‌ترین کانون‌های شکلگیری گروه‌های تروریستی در جهان یعنی پاکستان و افغانستان که هم اکنون ۲۵ گروهک تروریستی سازمان یافته در آنها فعالیت می‌کنند. این ناحیه از کشورمان را تحت تأثیر گروهک‌های تروریستی و مباحث مربوط به جغرافیای تروریسم قرار داده است. مهم‌ترین گروهک تروریستی فعال در این منطقه گروهک تروریستی موسوم به جندا... است، اقدامات تروریستی این گروهک موجب کشته شدن ایرانیان زیادی اعم از نظامی و غیرنظامی شده است. در مجموع شکل‌گیری این گروهها و افراط‌گرایی در منطقه شبه قاره به دو علت برای ایران چالش آفرین خواهد بود: نخست آنکه اغلب این گروههای خشونت طلب در منطقه دارای عقاید تکفیری و پیرو مذهب وهابیت (طالبان) می‌باشند که معمولاً در کشورهای پاکستان و عربستان آموزش دیده‌اند و دارای عقاید ضد شیعی هستند و شیعیان را به مثابه کافران می‌پندارند. وجود این گروههای ضد شیعی در مجاورت ایران که در آن حکومت و اکثریت مردم شیعه مذهب می‌باشند. پیامدهای منفی امنیتی را برای این کشور به همراه خواهد داشت و دوم این که حرکتها و رفتارهای این گروههای تندرو اسلامی باعث فاصله گرفتن رهبران کشورهای آسیای مرکزی و شبه قاره از اسلام و شکلگیری حکومت‌های سکولار به شکل غربی در منطقه شده است که این امر نیز برای حکومت دینی و مذهبی ایران چندان خوشایند نمی‌باشد.

نقشه شماره سه: مهم‌ترین کانون‌های حملات تروریستی در جنوب شرق ایران



منبع: (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

هیدروپلیتیک هیرمند و هریرود

کمبود رو به تزاید آب و منافع مشترک دولتها بر سر آبهای بین المللی نظیر رودخانه ها سبب گردیده که آب به عنوان عاملی تعیین کننده در سیاست بین المللی و روابط دولتها با یکدیگر به ایفای نقش بپردازد. بطوریکه آب امروزه بصورت یک ماده رقابتی و مطلوب و در عین حال عامل نگران کننده حیات و زیست ابناء بشر وارد عرصه مناسبات و مناقشات دولتها شده است. بنابراین با توجه به اهمیت آب در سرنوشت انسانها و جوامع بشری است که ژئوپلیتیک آب یا هیدروپلیتیک موضوعیت پیدا کرده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). ایران نیز به دلیل واقع شدن در منطقه خشک خاورمیانه و داشتن مرزهای متعدد آبی و رودخانه هایی با کشورهای همسایه تحت تأثیر بازتابهای فضایی این ویژگی ژئوپلیتیکی قرار دارد. در حوضه های شرقی کشور دو حوضه آبریز هامون و سرخس جریان دارد. مهم ترین رود حوضه هامون، هیرمند است که از خاک افغانستان سرچشمه می گیرد و مهمترین رود جاری در حوضه آبریز سرخس نیز هریرود است. این رود نیز بخشی از مرزهای ایران با افغانستان و ترکمنستان را تشکیل می دهد (توحیدی، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۲). قرار گرفتن سرچشمه و ۹۵ درصد مسیر رود هیرمند در افغانستان، این کشور را نسبت به ایران در موضع بالادستی قرار داده است. افغانستان با استفاده از این مزیت ایران را همواره به موضع انفعال کشانده بطوریکه خسارت های جبران ناپذیر مادی و غیر مادی و زیست محیطی به منطقه وارد شده است. نکته ای که در بیش از یک قرن گذشته حائز اهمیت می باشد این است که افغانها باگذشت زمان موضع سرسختانهتری نسبت به ایران در خصوص آب هیرمند اتخاذ کرده اند، و اگر روزگاری به تقسیم نصف آب راضی می شدند با گذشت زمان این مقدار را به ۲۲ متر مکعب در ثانیه رسانده اند و در حال حاضر حتی حاضر نیستند اجازه دهند سیلاب های بهاری به سمت هامون جاری شود. با توجه به استقرار حکومت با ثبات در افغانستان، این کشور جهت احیای کشاورزی خود که تنها بخش عمده اقتصاد این کشور است به آب هیرمند نیاز بیشتری خواهد داشت (مختاری هشی، ۱۳۸۷: ۱۴۵). در مورد هریرود نیز پروژه ساخت سد دوستی در مرز ایران و ترکمنستان بر روری این رود و پیش بینی پمپاژه آن به مشهد با وجود اختلاف ارتفاع حدود ۷۰۰ متر و فاصله بیش از

۱۵۰ کیلومتر خود بیانگر وابستگی عظیم خراسان به آبهای حاشیهای است. همچنین پروژه تأمین آب شهر زاهدان از چاه نیمه‌های سیستان یعنی وابسته شدن این شهر بزرگ به منبع آبی که سرچشمه‌های آن در افغانستان است (پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۸۳: ۸۵). در واقع کمبود منابع آب باعث وابسته شدن شرق کشور به آبهای مرزی می‌شود که سرچشمه‌های آن در آن سوی مرز قرار دارد. بنابراین چالش تأمین منابع آب در شرق ایران از محدوده جغرافیای سیاسی ایران فراتر رفته و بعد منطقی‌های به خود گرفته است. این وضعیت در آینده به دلیل افزایش جمعیت و کاهش سرانه آب ممکن است به یکی از زمینه‌های جغرافیایی بحران بین ایران و همسایگان شرقی‌اش تبدیل شود.

وهابیت و دیوبندی در شرق کشور

یکی از عوامل ژئوپلیتیکی دیگری که امنیت ملی ایران را به تهدید مواجه ساخته است، رشد اندیشه‌های وهابیت و دیوبندی در کشور پاکستان و افغانستان و به تبع آن نفوذ این اندیشه‌ها در نواحی و مرزهای شرقی کشور است. از آنجایی که اصول اعتقادی وهابیت و مکتب دیوبندی در تقابل و تضاد اساسی با اصول اعتقادی شیعیان است رشد و نفوذ این اندیشه‌ها در نواحی مرزی شرقی کشور پیامدهای امنیتی خطرناکی برای ایران شیعی به همراه خواهد داشت. از جمله مهمترین اصول اعتقادی فرقه وهابیت که در تقابل با شیعیان است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

القابی که به عزت و احترام به پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) ادا می‌شود ناصواب است و احترام تنها شایسته خدا است.

- شفاعتی که پیامبران و اولیاء از آن بهره مند هستند به دنیا ارتباط ندارد، بلکه آنان در سرای آخرت از چنین حقی برخوردار هستند. بنابراین اگر بنده‌ای در این دنیا به قصد برآورده شدن نیاز خویش بین خود و خالق واسطه‌ای قرار دهد و چشم به شفاعت آنان داشته باشد، عمل او شرک به شمار می‌آید و به بندگی غیر خدا روی آورده است

توسل جستن به مردگانی که مقرب پیشگاه خدا هستند و اظهار نیاز نزد آنان شرک محسوب می‌شود.

- ساختن زیارتگاه و قرار دادن ضریح بر روی قبور جایز نیست بلکه کاری است شرک آمیز و انجام دهنده آن مشرک است.

- وهابیان معتقدند که هرگونه استفاده از طلا و نقره، زیورات در مشاهد متبرکه، کارهای از این دست حرام است و باید ترک شود.

- زیارت قبور پیشوایان دین و بار سفر بستن از نقاط دور به قصد زیارت تربت پاک رسول اکرم (ص) کاری است ناروا و از مصادیق شرک و پرستش غیر خدا محسوب می‌شود.

- وهابیان معتقدند که باید مساجدی که پیرامون مراقد مشرف ساخته شده ویران گردد.

- شیعیان برای پیامبر (ص) و امامان قربانی و نذر می‌دهند در حالی که نذر فقط برای خداست.

علاوه بر این بعضی از عقاید دیوبندی‌ها که نشان دهنده تعارض عمیق آنان با شیعیان و سایر فرقه‌های اهل سنت، و درعین حال، تشابه آن‌ها با وهابیت است، عبارت است از: زیارت قبور گناه است؛ اعتقاد به علم غیب حضرت رسول (ص) شرک صریح است؛ فرستادن صلوات و ختم قرآن برای رسیدن به ثواب جایز نیست؛ برگزاری جشن میلاد پیامبر (ص) در حال، جایز نیست؛ بزرگ داشت روز سوم قوت کسی روا نیست؛ شفاعت خواستن و توسل جستن شرک است. وجه مشترک تفکر دیوبندی و وهابیت در احیای خلافت اسلامی، ضدیت با شیعه و مخالفت با فرهنگ و تمدن غربی است. بنابراین نفوذ و رشد وهابیت و دیوبندی در نواحی شرقی کشور که با روش‌های مختلفی مانند اعزام مبلغان؛

کمک به گروه‌های مذهبی و سیاسی؛ اختصاص بورس تحصیلی به دانشجویانی که مایل به تحصیل علوم اسلامی در مدارس آن‌ها می‌باشند انجام می‌پذیرد، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در مقیاس ملی و منطقه‌ای با تهدید مواجه ساخته است. (مسجد جامعی، ۱۳۸۰: ۱۱۳)

قوم بلوچ و مداخله‌ی عراق

مداخله خارجی در بلوچستان ایران از روابط ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و اطراف آن سرچشمه می‌گیرد. نمونه‌ای از تأثیر درگیری‌های منطقه‌ای در طرح مسئله قومیت را در بلوچستان ایران می‌توان در روابط ایران با عراق پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ جست‌وجو کرد. در حالی که ایران در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی از کردها در عراق حمایت می‌کرد و از این طریق، اندیشه هویت ملی آریایی کردها را در برابر عرب‌ها تقویت می‌کرد، حزب بعث عراق نیز فعالانه از رؤسای طوایف ناراضی و نخبگان تحصیل کرده بلوچ که به سیاست‌های شاه معترض بودند حمایت و بلوچ‌ها را در ایجاد سازمان‌های سیاسی یاری می‌کرد. گرچه عراق در این ماجرا دخالت بیشتری داشت، سایر کشورهای عرب از جمله سوریه و برخی شیوخ عرب در خلیج فارس نیز از بلوچ‌های ناراضی در ایران حمایت می‌کردند. این کشورها در مجموع به تبلیغ اندیشه‌ای می‌پرداختند که ریشه نژادی بلوچ‌ها را به اعراب منتسب می‌کرد (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲۲). حامیان عرب امیدوار بودند یک هویت مشخص عرب-سنی را در برابر اکثریت فارس-شیعی برای بلوچ‌ها بیافرینند. نویسندگان عرب بر آن بودند که با ارائه شواهدی مبتنی بر عرب بودن بلوچ‌ها، نظریه آریایی بودن آنها را بی‌اعتبار سازند؛ آنها ضمن ابراز تأسف از این که بلوچ‌ها زبان عربی خود را فراموش کرده‌اند، از این جهت امیدوار بودند که بلوچ‌ها هنوز بسیاری از عناصر هویت فرهنگی و مذهبی عربی خود را حفظ کرده‌اند. مهم‌ترین سازمان سیاسی بلوچ ایرانی، یعنی جبهه آزادی‌بخش بلوچستان، تحت حمایت سیاسی، مالی و نظامی حزب بعث عراق در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ فعال شد؛ این جبهه مرکز اصلی خود را در بغداد قرارداد و برای تبلیغ مسائل قومی در بلوچستان ایران، برنامه‌ای رادیویی تدارک‌دید. بیشتر فعالان سیاسی بلوچ در این سال‌ها در عراق یا شیخ‌نشین‌های خلیج فارس پایگاه داشتند؛ آنها در پایگاه‌های نظامی این کشور آموزش می‌دیدند و رهسپار بلوچستان ایران می‌شدند تا ضد رژیم شاه به عملیات نظامی دست‌بزنند؛ این سازمان سیاسی در قاهره و دمشق نیز دفتر داشت و مقام‌های سوری به آن، به‌عنوان نماینده یک حکومت ایالتی در تبعید، موقعیت شبه‌دیپلماتیک داده بودند. حزب بعث عراق در مبارزه با شاه تلاش کرد ائتلافی ضدشاه متشکل از گروه‌های مختلف زبانی و مذهبی در ایران تشکیل دهد؛ به این منظور، سرلشکر پناهیان، عضو سابق ارتش ایران و فرقه دموکرات آذربایجان و عضو حزب توده یک گروه سیاسی به نام «جبهه ملی خلق ایران» در بغداد تشکیل داد؛ این گروه، شاخه‌ای به نام «حزب دموکراتیک بلوچستان» به‌وجود آورد و نشریه‌ای به نام راه اتحاد به تمام زبان‌های رایج در ایران منتشر ساخت؛ جبهه آزادی‌بخش بلوچستان نیز به‌منظور جلب حمایت سیاسی، نظامی و مالی از عراق و سایر کشورهای عرب، شعار عرب بودن بلوچ‌ها را مطرح کردند؛ این جبهه همچنین از ادعاهای عراق و سایر کشورهای عرب نسبت به خوزستان ایران یا به قول عرب‌ها «عربستان» حمایت کرد و ادعاهای عراق مبنی بر تعلق کامل بر شط‌العرب است

نتیجه‌گیری

ظهور تروریسم و بروز تکفیر در مناطق جنوب شرقی کشور را نمی‌توان تنها از منظر سیاسی و امنیتی بررسی و تحلیل کرد. همان‌گونه که تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز نمی‌تواند به‌تنهایی عاملی برای این پدیده باشد. روزنه ورود تکفیر به این مناطق و یا هر نقطه مستعد دیگر در ایران را باید در عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی جستجو کرد. اساساً در بررسی پیدایش گروه‌های تروریستی و افراطی به اینکه آن گروه‌ها ساخته سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه هستند با دید الزام نگریده نمی‌شود، یک نظریه عمده و مشهور این است که سرویس‌های اطلاعاتی و کشورهای بیگانه آن گروه‌ها یا جریان‌های مستعد را تقویت و در مسیر خود قرار می‌دهند. بنابراین عواملی چون فقر فرهنگی و اقتصادی، توسعه نیافتگی، همگرایی‌های قبیله‌ای بین قبایل دو سوی مرز، عدم نظارت بر مواد درسی و فعالیت‌های آنان در مدارس دینی، عدم مشارکت طوایف و مذاهب در ساختارهای مدیریتی و تصمیم‌گیری در سطح منطقه‌ای، می‌تواند در ورود فکر تکفیری و تأسیس گروه‌های تروریستی و حتی پذیرش آن‌ها مؤثر باشد. در کنار این‌ها، عوامل خارجی همچون تلاش رقابت‌گران منطقه‌ای یا قدرت‌های جهانی برای برهم زدن امنیتی ملی یک کشور نیز به کمک می‌آید. همان‌گونه که در مورد گروه‌های تروریستی مناطق جنوب شرقی کشور مشاهده می‌شود، علاوه بر حمایت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، عوامل داخلی مذهبی، قومی و نیازهای اقتصادی در رشد و پرورش این گروه‌ها سهیم بوده‌اند. بنابراین تلاش برای ارائه راه‌حلی عملی جهت کم کردن کاستی‌های داخلی در این منطقه، می‌تواند نقش مهمی در کم‌رنگ کردن قدرت عامل خارجی ایفا کند. این نکته که در میان اعضای خارجی گروه‌های تروریستی فعال در سوریه، به ندرت افرادی از مناطق جنوب شرق کشور دیده می‌شود، اما اغلب افرادی که از ایران به گروه‌های تروریستی تکفیری در سوریه پیوسته‌اند، متعلق به مناطق غرب کشور می‌باشند، قابل تأمل است.

منابع

- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، «مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی»، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور (جلد دوم)
- پیشگاهی فرد، زهرا و امیدی آوج، مریم (۱۳۸۸)، «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره اول
- خطایی، غلامحسین (۱۳۷۴)، «مرزبانی»، معاونت آموزش ناجار، تهران
- حسینی، محمد (۱۳۸۵)، «سیستان و بلوچستان: نامنی و ریشه‌ها»، دو ماهنامه سیاسی راهبرد چشم انداز ایران، تیر و مرداد ماه
- حافظ نیا، محمدرضا، کاویانی راد، مراد (۱۳۸۵)، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد بیستم، شماره ۱
- ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر (۱۳۸۵)، «موقعیت ژئوپلیتیک و نامنی اجتماعی (مورد: شهرستان‌های خواف و رشتخوار در شرق ایران)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دولم، شماره سوم و چهارم

کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان(منابع تنش و تهدید)»، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم

پاپلی یزدی، محمدحسن (۱۳۶۸)، «پیامدهای سیاسی، اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان»، شماره ۱۳

مختاری هشی، حسین (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت هیدروپلیتیک ایران»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره دهم

مسجدجامعی، زهرا (۱۳۸۰)، نظری بر تاریخ وهابیت، تهران، صریر دانش

توحیدی، زهرا (۱۳۹۰)، «واکوی بحران کشمیر: چالش‌های داخلی و سیاست خارجی»، پژوهشنامه پاکستان، مرداد ماه

ایزدی، حسن و علی‌اکبر دبیری (۱۳۹۲)، «ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره ۱

علوی پور، سیدمحسن (۱۳۸۸). «ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس». مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره ۲

قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۳)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت، چ ۱۰

Abbas, Hassan (2010), "Shiism and Sectarian Conflict in Pakistan: Identity Politics, Iranian Influence and Tit-for-Tat Violence," *Combating Terrorism Center at West Point*

Jamal, Arif (2010), "A Guide to Militant Groups in Kashmir," *Terrorism Monitor*, Vol. viii, issue 5

Kamran, T (2008), "The Political Economy of Sectarianism" <http://spaces.brad.ac.uk:8080/download/attachments/748/Brief32fin>
South Asian Terrorism Portal (2013), *Sipah-e-Sahaba Pakistan*, www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/terroristoutfits/lej

Danelo, David J (2011) *Toward a U.S.-Mexico Security Strategy: The Geopolitics of Northern Mexico and the Implications for U.S. Policy*, the Program on National Security at the Foreign Policy Research Institute

UNIDO (1994). *Bridging tomorrow's Energy Gap*. *Unido Update*, No: 2-2۷,۰۰۰۰//:۰۰۰.۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰-۲۸

World Drug Report(2006), Volume 22, United Nations Publication, Office on Drugs and Crime